



9 فیروری 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

شرحی مختصر از نشیب و فرازهای زندگی زنان افغان (به مناسبت روز بین المللی زن)

با آغاز قرن بیستم سیر تحول در جهان سرعت گرفت. پیشرفت های تکنیکی توأم با اختراعات در ساحات مهم، تمدن جهانی را چنان به شدت بسمت دگرگونی ها کشانید که نظیر آن در هیچ یک از اعصار گذشته دیده نشده بود. در طول این قرن به همان اندازه که پیشرفت های تکنیکی، جهان پهناور را با هم نزدیک ساخت و سطح زندگی و دانش بشری را ارتقا داد، به همان شدت ارزش های جدید را در فرهنگ و مناسبات اجتماعی به وجود آورد و شیوه حیات و طرز دید فردی و اجتماعی انسان را تغییر داد. در اثر این تغییرها و با گذشت زمان، کشمکش وجدال بین پدیده های "نو" و "کهنه"، بین اسالیب متکی به "عننه" و "تجدد"، بین عقاید "محافظه کار" و "لیبرال" و افکار به اصطلاح "ارتجاعی" و "مترقی" و توأم با آن تفاوت ها در اندازه "فقر" و "غنا" و در عین زمان "آزادی" و "استبداد" در داخل کشورها و هم در سطح جهانی روبه افزایش گذاشت.

یکی از کشورهای جهان که در طول این قرن دچار نشیب و فرازهای مدهش گردید و چند بار راهش را در جولان این کشمکش ها گاهی به جلو و زمانی به عقب تغییر داد، افغانستان است که در نهایت این کشور در اخیر قرن بیستم به وضعی گرفتار شد که چندان تفاوتی از آغاز قرن نداشت. واقعا اگر اوضاع جاری افغانستان را با اوضاع صدسال قبل مقایسه کنیم، دیده می شود که افغانستان نمونه ای یک کشور در جهان است که حاصل همه تلاش های ارتقائی آن در برخورد متواتر گرایش ها بین "عننه" و "تجدد" بهدر رفته و در این صد سال که اغلب کشورهای جهان را ترقی و اعتلا را پیموده اند، بر عکس افغانستان از بسا جهات به وضع صد سال قبل برگشت کرده است. این ادعا را می توان با ارائه مثال های فراوان در زمینه های مختلف به ثبوت رسانید که از جمله یکی هم در رابطه با نهضت زنان است.

عننه با داشتن ریشه های عمیق تاریخی و فرهنگی در جامعه افغانی نقش بسیار استوار دارد که پیوند آن با ارزش های دینی در بسا موارد به اعتبار و استحکام آن افزوده است. در بعضی موارد عننه حتی اعتبار عملی بیشتر از اصول و ارزش های دینی در جامعه کسب کرده و مردم به رعایت آن خود را بیشتر مکلف می دانند. عننه در افغانستان از یکطرف با موقعیت های جغرافیای و محلی داخل کشور از هم متمایز میگردد، از طرف دیگر عننات اقوام مختلف افغانستان با عین اقوام که در کشورهای همجوار زیست دارند، زیر تاثیر محیط مشترک فرهنگی، لسانی و قومی قرار گرفته و بناءً شباهت ها و تأثیرات متقابل را به هم می رسانند.

با آنکه عننات افغانی در مسائل مربوط به زنان بین اقوام و مناطق مختلف از هم تفاوت دارند، ولی عننه در مجموع به هر شکلی که باشد، یک عامل عمده در همه شئون زندگی و از جمله حقوق، و جایب

ونقش زن ها در افغانستان محسوب می شود. اگر به شرح حال زندگی یک زن روستائی با در نظر داشت ارزشها ونقش های مربوط دقت کنیم، به واقعیت های عینی برمیخوریم که چگونگی نقش زن را در یک جامعه عنعنوی (مردسالار) به وضاحت بیان می کند. وقتی به زندگی شهری نظراندازیم، آن وقت ارزش های دیگر مطرح می گردند که تحت تاثیر جامعه مدنی وتجدد گرایی قرار دارند وچهره متفاوت از روستا را آشکار می سازند.

همان طوریکه تجدد راه خود را نخست بین طبقات نخبه شهری باز میکند، نقش زن شهری که برخوردار از شرایط نسبتاً بهتر زندگی، سوبیه دانش وتماس وسیع باپدیده های جدید تخنیکی وفرهنگی است، با زن روستائی فرق می کند. ادعاهای مبنی بر تساوی حقوق زن ومرد، چانس کاریابی وحصول عاید، حق تعلیم وترتیب و اشتراک مساعی در ساختارهای سیاسی ودولتی، مود وفیشن، تلاش برای داشتن آزادیها، کسب صلاحیت های بیشتر در امور فامیلی وشخصی، حق انتخاب نسبتاً آزاد همسر وغیره از جمله مسائل حاد وداغ زنان شهری اند که همه در مجموع گسسته شدن نظام مرد سالاری را در شهرافاده می کند. از همین جاست که ارزش ها در جامعه عنعنوی روستائی باپدیده های تجدد پسندان شهری یک خصلت دوگانه را به وجود می آورند وجامعه را بطورکل به دوگروپ اغلب متضاد تقسیم می کنند. حتی بعضاً این تضاد ها موجب برخورد واصطکاک بین دو شیوه ای زندگی شهری و روستائی می شوند.

اگر از این مشخصه های عمومی بگذریم ونگاهی به اوضاع جاری کشوراندازیم، پدیده جدید ونگران کننده همانا وضع رقتبار زنان افغانستان است که از کودتای ثورآغاز می گردد ومصیبت آن تا امروز دوام دارد. در این مرحله که در اثر جنگ های دوامدار سه دهه اخیرنظم وامنیت در همه جا برهم خورده، دهات کشور ویران گردیده و اکثر مردم با ترک خانه و کاشانه در داخل وخارج کشوربیجا و مهاجرشده اند، مصیبت بر زنان کشورنیزبطور بی سابقه افزایش یافته است. طی دو دهه مهاجرت ها به خارج کشور واقامت درکمپ های پناه گزینان درایران وپاکستان شرایط جدید وخصوصیات نو ظهور را درحیات زنان به وجود آورده که بررسی آن درخور توجه است.

مسلم است که حقوق زن ومسائل مربوطه را نمی توان از تحولات عمومی جامعه جدا کرد، زیرا زنان خواهی نخواهی به حیث نصف نفوس کشوردر تمام شئون حیات بطورمستقیم ویا غیرمستقیم شریک وسهم اند. ازجمله عواملی که به نقش زنان در جامعه اثرمیگذارند، همانا مسئله امنیت ومصئونیت قانونی، انکشاف اقتصادی ودسترسی درزمینه های کار وفعالیت، اندازه سطح دانش عمومی ومسلكی، برقراری روابط سیاسی وفرهنگی با جهان خارج، توسعه رسانه ها و اطلاعات عامه در کشور، استفاد روزافزون ازپیشرفت های تخنیکی و وسائل مدرن زندگی وازهمه مهمترموجودیت پایه های سالم عقیدتی، فرهنگی وعنعنوی جامعه در راستای حمایت از زنان می باشند که هر یک به ذات خود در تحول وتکامل حقوق زنان ونقش شان در جامعه مؤثربوده وهریک باهم رابطه ناگسستی دارند.

دریک جامعه عنعنوی که عوامل فوق به کندی و بطورتدریجی ونامحسوس تغیر می کنند، تحول نیزبا گذشت زمان بشکل بطی وطبعی صورت می گیرد که لزوم برخورد و مقاومت در برابرآن احساس نمی شود، به عبارت دیگردرهمچوجامعه مردم باتحول تدریجی قدم به قدم آشنا و سازگاری شوند وبدون مقاومت آنرا پذیرا می گردند. اما اگر در یک جامعه عنعنوی تحولات عمده به شیوه های دستوری از طریق اصلاحات حقوقی وسازمانی به عجله و به سرعت از طرف دولت به منصفهء اجراء درآیند، درآن صورت گروه های عنعنوی جامعه که در عین زمان اکثریت را تشکیل می دهند، این نوع تحولات آنی

را یک نوع سقوط ارزش های قبول شده ای خود دانسته و آنرا به مثابه یک تعرض و حمله بیرونی در حریم آن ارزش ها تلقی می کنند و فوراً در برابر آن موقف میگیرند. در این حال به هر اندازه که ارزش های عنعنوی ریشه های عمیق در جامعه داشته باشند، به همان اندازه شدت مقاومت گروپ های عنعنه گرا در برابر تحولات آنی جدی تر می گردد و به همان پیمانانه معبر تحول در جامعه تنگتر و راه پیشرفت آن دشوارتر و سرعت آن بطی ترمی شود؛ حتی در بعضی موارد عکس العمل ها در برابر همچو تحولات به حدی شدید و جدی می باشد که با شعله ور شدن جنگها، رژیم "تجدد گرا" سقوط می کند و جای آنرا قدرت های "محافظه کار و عقب گرا" می گیرند. با این وضع همه دروازه های تحول برای جامعه برای مدتی مسدود می گردند و چرخ های جامعه به عقب کشانیده می شوند.

اگر به تاریخ افغانستان دره قرن بیست نظر اندازیم، این حالت دوبار، اما به نحوی بسیار متفاوت به وقوع پیوسته که در هر دو حالت کشور از مسیر عادی به سوی آشوب و پراگنده گی و در نتیجه برباد رفتن زحمات چندین ساله کشانیده شده است:

- - یکی در سالهای اخیر دهه سوم قرن بیستم بود که قیام های "عقب گرایانه" در برابر رفورم ها "تجددگرایانه" و اما پرشتاب دوره امانی صورت گرفت و منجر به سقوط رژیم و قطع اصلاحات در کشور گردید. باید گفت که این اصلاحات فاقد منشأ ایدئولوژیکی بود و هیچ قدرت خارج از آن حمایت نمی کرد حتی دست خارج برضد آن فعال بود و فقط آرزومندی شخص شاه امان الله را منعکس می ساخت که به تقلید از تحولات ترکیه به ترویج تمدن اروپائی در جامعه عنعنوی افغانستان مبادرت ورزید.

- - دیگر با کودتای کمونیستی مسما به "کودتای ثور" 1357 (اپریل 1978) بود که رژیم می خواست تمام ارزش های اسلامی و عنعنوی افغانستان را با ارزش های ایدئولوژیک کمونیستی تعویض کند و آنرا به شیوه های دستوری، توأم با زور اسلحه و به کمک قوای متجاوز شوروی بر مردم تحمیل نماید. در برابر این تحول نه تنها حلقه های عنعنه گرا، بلکه همه مردم در مجموع قیام کردند و علیه اقدامات رژیم و در نهایت علیه تجاوز شوروی به جهاد پرداختند.

در دوره اول با آنکه رژیم (سقوی) بیش از (9 ماه) طول نکشید، ولی حرکت محافظه کارانه در امور زنان از طرف رژیم بعدی چندین سال ادامه یافت و تحول بصورت بسیار تدریجی و با کندی بیش حد همراه بود. درست 30 سال بعد از رفع حجاب که در سال اخیر دوره امانی 1927 صورت گرفت و در اثر تغییر رژیم منسوخ گردید، بار دیگر در دوره صدارت محمد داؤد خان (1959) عملی شد که در قبال آن زنان به پیشرفت های قابل ملاحظه نایل آمدند.

در دوره دوم یعنی با آمدن رژیم کمونیستی، تحول و اصلاحات به نحوی رویدست گرفته شد که تدریجاً منجر به فرهنگ فساد و بی بندباری گردید. کمونست ها کوشیدند زنان بخصوص دختران جوان شهری را زیر نام آزادی در خدمت حزب و ایدئولوژی طوری به کار گمارند که عملکرد آنها با ارزش های عمومی جامعه کاملاً در تناقض قرار گرفت، از آنرو موجب بروز برخورد ها و کشیده گی حتی در کانون خانواده و بین فامیل ها شد. زنان در این دوره بطور کل به زنان حزبی و غیر حزبی تقسیم شدند و یکی در برابر دیگر و در مجموع همه مردم با انقسام به حزبی و غیر حزبی علیه یکدیگر قرار گرفتند. و کار بجای رسید که زنان و دختران مثل (ناهد شهید) جان خود را در این مبارزه قربان کردند.

"اصلاحات" کمونیست های خلقی و پرچمی در رابطه بامسائل زنان موجب عکس العمل های جدی و گسترده بین مردم شد، بخصوص بعد از اعلام فرمان شماره هفتم. با آنکه محتوای این فرمان چیزی تازه نبود، ولی شدت عمل کمونیست ها درتطبيق مواد آن، از همه مهمترکشانیدن جبری دختران و زنان به کورس های به اصطلاح "سواد آموزی" که هدف اصلی آن اشاعه افکارکمونیستی در بین عوام بود، زمینه های برخورد و قیام های مزید را دراطراف و اکناف کشورعلیه کمونیستها بیش ازپیش تقویه کرد.

با سقوط رژیم کمونیستی و جاگزینی رژیم تنظیمی، رسیدگی به امورزنان نسبت شیوع جنگ های داخلی بین تنظیمهای رقیب، بخصوص در شهر کابل ومهاجرت های مزید در داخل وخارج کشور شکل دیگر به خود گرفت و در قبال آن زنان افغان دچارمصیبت های بیشترشدند. چنانکه حلقات افراطی تنظیمی در مورد حقوق زنان فتوای شرعی صادر کردند و آنرا طی یک اعلامیه رسمی به حکومت تنظیمی جهت تنفیذ ارائه داشتند، اما جنگ های خونین بین گروه های قدرت طلب مجال اجرای آنرا نداد. مصیبت های وارده بر زنان طی این دوره آنقدر بزرگ و خونبار است که بیان آن در این مختصر نمیگنجد.

متعاقباً وقتی در سال 1996 طالبان کابل را اشغال کردند، آنها اجندای ناتمام تنظیم های افراطی را در مورد زنان روی دست گرفتند وبه آنچه که حکومت تنظیمی فرصت اجراء نیافته بود، آنرا طالبان به شدت وقساوت بیحد به معرض تطبیق گذاشتند.

در اینجا قابل ذکر است: از روزیکه طالبان محدودیت ها وقیود چندین جانبه را برزنان کشور وضع نمودند و در تطبیق آن از شدت عمل درشهرها کارگرفتند، جامعه بین المللی وسازمان های مدافع حقوق بشراین روش طالبان را مورد انتقاد ونکوهش جدی قرار دادند و آنرا مغایر نورمهای قبول شده ای بین المللی دانستند ودر برابرآن صدای اعتراض را در اطراف واکناف جهان بلندکردند. جنبش مسما به (اکثریت زنان) درامریکا باسازمانهای مدافع حقوق زن در اتحادیه اروپا دست بدست هم دادند و در برابرروش های (تبعیض جنسی) طالبان درافغانستان شدیداً موقف گرفتند وبر کشورهای جهان فشار آوردند تا ازشناسائی رژیم طالبان خودداری نمایند. این مبارزه در بین بعضی حلقات افغانی به دو سمت اثربخشید: عده ای به حمایت از حقوق زنان با این حرکت پیوستند، وعده ای دیگردربرابر آن به نحوی به حمایت از شیوه طالبان برخاستند.

واضح است که با سرنگونی طالبان، گروه حامیان حقوق زن در موقف پیروزمندان وفعال قرار گرفتند و روز بروز بر فعالیت های خود در این راستا افزودند. درکابل که فضای آن برای زنان پس از سقوط طالبان بطور محسوس تغییرکرد، زن ها امیدوار شدند که حقوق ازدست رفته خویش را بدست آورند وبتوانند به کار و فعالیت خود مثل سالهای قبل ادامه دهند. با آنکه بعدازسقوط طالبان یک عده ای کم زنان خود را از قید چادری آزاد ساختند، ولی عده ای دیگر در ترس و دلهره اند ومنتظر بهبود مزید اوضاع می باشند. این تحول تا هنوز از شهرکابل وچند شهردیگر پافراتر نگذاشته و در دهات واطراف کشورمثل سابق نظام (قوماندان سالاری) توأم باعنونه (مردسالاری) پا برجا است و زن روستائی در همان تنگنای عنعنوی زیست می کند. در راستای این تحول قابل ذکر است که جامعه عنعنوی افغان با خصلت مردسالاری با وجود سوابق چندین ساله در ساحة آزادی زنان، بازهم آماده قبول دگرگونی ها در این زمینه نمی باشد و هنوزهم قوه های سیاسی (محافظه کار) با تعبیرها وتفسیرهای خویش درمورد زنان دست بالا دارند و میخواهند برای نیل به اهداف سیاسی خود مثل سابق از این موضوع بهره

برداری کنند و با تبلیغ وسیع علیه تحول جاری، مردم عامه را که سخت در برابر زنان دچار تعصب می باشند، برانگیخته و تحریک نمایند.

یکی از این مثالها همانا قانون «منع خشونت علیه زن» است که به تاسی از ماده 24 و ماده 54 قانون اساسی جدید کشور پس از تصویب شورا و توشیح توسط رئیس جمهور وقت حامد کرزی بتاريخ 10 اسد 1388 (4 آگست 2009) در جریده رسمی به نشر رسید و نافذ گردید و در آنوقت هیچ مخالفت در برابر آن صورت نگرفت، اما در ماه جوزای 1392 (می 2013) وقتی کمیسیون امور زنان ولسی جرگه پس از باز نگری، آنرا به غرض تصویب به مجلس عمومی رویت داد، موجی از انتقادات مبنی بر ماهیت ضد اسلامی بعضی مواد آن فضای تالار ولسی جرگه را پیچانید و تصویب آنرا به مقصد بررسی مجدد به تعویق اندخت. اینکار سروصدا های بسیار را در رسانه ها و اجتماعات مدنی به وجود آورد و عده ای به حمایت از آن قانون دست به مظاهرات و گردهمائی ها در داخل و خارج کشور زدند و از ولسی جرگه خواستند تا قانون مذکور را بدون تعدیل هرچه زودتر تصویب نماید.

دلایل مخالفت با قانون «منع خشونت..» از طرف عده ای از وکلای محافظه کار ولسی جرگه بیشتر بر موضوع "خانه امن" که آنها آنرا "خانه فساد؟؟" نامیده اند، "تعدد زوجات" و معضله "نکاح صغیره" متمرکز بود که متأسفانه این موضوعات ما را به یاد مباحثات لویه جرگه 1303 در دوره امانی می اندازد و این یک برگشت "عقب گرایانه" به 90 سال قبل محسوب میگردد.

در ماده پنجم این فصل اول قانون مذکور موارد خشونت علیه زن مشخص گردیده که به اساس آن ارتکاب اعمال ذیل خشونت علیه زن شناخته میشود:

- 1 - تجاوز جنسی،
- 2 - مجبور نمودن به فحشاء،
- 3 - ضبط و ثبت هویت مجنی علیه (زن متضرر) و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند،
- 4 - آتش زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سائر مواد ضررناک،
- 5 - مجبور نمودن به خود سوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سائر مواد ضررناک،
- 6 - مجروح یا معلول نمودن،
- 7 - لت و کوب،
- 8 - خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج،
- 9 - بد دادن،
- 10 - نکاح اجباری،
- 11 - ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب شوهر،
- 12 - نکاح قبل از اكمال سن قانونی،
- 13 - دشنام، تحقیر و تحویف،
- 14 - آزار و اذیت،
- 15 - انزوای اجباری،
- 16 - اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر،
- 17 - منع تصرف در ارث،
- 18 - منع تصرف اموال شخصی،
- 19 - ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی،
- 20 - کار اجباری،
- 21 - ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده 86 قانون مدنی،

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

متأسفانه طوریکه دیده میشود، همه اقدامات دولت فقط در حدود حرف باقیمانده و هنوز هم تسلط عنعنه و افکار محافظه کارانه زیر نام دین با تعبیرهای مختلف ناشی از خصوصیت "مردسالاری" جامعه موقوف زنان کشور نه تنها در تنگناهای قانونی قرار گرفته، بلکه عملاً خشونت علیه زن افغان در تمامی موارد فوق الذکر روز بروز به اشکال و انواع مختلف کسب شدت کرده است.

در این مورد هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، یوناما، همزمان با گرامی‌داشت از هشتم مارچ - روز جهانی زن در کشور، امروز اعلام کرد که: «هرچند طی سال‌های گذشته حضور زنان در نقش‌های رهبری کننده افزایش یافته، اما این نقش هنوز هم ناکافی و بیشتر به شکل سمبولیک و محدود به مراکز ولایات بوده است. با تکرار شعار امسال روز جهانی زن، ملل متحد در افغانستان خواهان انجام تلاش‌های بیشتری می‌باشد تا هم روند نابرابری برعکس گردد و تعهدات انجام شده هم به فرصت‌های واقعی برای زنان افغان تبدیل شوند.»

این سازمان به اعمال خشونت‌های بیشتر علیه زنان نیز اشاره کرده افزوده که میزان قربانیان زن در خشونت‌های جاری در کشور، در سال ۲۰۱۵ سی و هفت درصد نسبت به سال ۲۰۱۴ افزایش داشته است. به گفته سازمان ملل متحد، ادامه خشونت‌های گسترده علیه زنان و پیروی از سنت‌های ناپسند، هنوز هم یک نگرانی جدی به شمار می‌رود. سازمان ملل متحد می‌گوید که این سازمان در سال ۲۰۱۵ شاهد رویدادهای هدفمند، تهدید و ارباب زنان در زندگی اجتماعی در سراسر کشور و بخصوص زنانی که در راستای ترویج حقوق زنان فعالیت داشته‌اند، بوده است.

سازمان ملل متحد از دولت افغانستان خواسته تا روند تطبیق تعهدات ملی خود در راستای تساوی جنسیتی را در مطابقت با تعهدات این کشور به شمول میثاق محو همه اشکال تبعیض علیه زنان، آجندای تازه تصویب شده جهانی تا سال ۲۰۳۰ و همچنین اهداف انکشافی پایدار تقویت و اجرا کند.

خانم الزیرا ساگینبایموا، نماینده اداره زنان ملل متحد در افغانستان می‌گوید که وضعیت رو به وخامت امنیتی و در نتیجه دوره شکنندگی بعد از انتقال باعث افزایش نگرانی‌ها در مورد آینده زنان و این‌که چگونه باید اطمینان حاصل کرد که دست‌آوردهای مبارزات سخت زنان در افغانستان با خطر مواجه نخواهد شد و یا از بین نخواهد رفت، شده است. او با تأکید بر این که دولت افغانستان باید حقوق زنان و مشارکت مهم آنها را در گفتگوهای صلح تضمین نماید، می‌گوید: «مشارکت پایدار زنان در انتخابات بعدی پارلمانی و ولسوالی‌ها برای اعتبار و فراگیر بودن این روند مهم می‌باشد.»

در همین حال، نیکلاس هیسم فرستاده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان نیز تأکید نموده می‌افزاید: سازمان ملل متحد به تقویت و نقش سهم‌گیری فعال زنان در تلاش‌های صلح متعهد است، مردان و پسران افغان در کمک به توانمندسازی زنان و دستیابی به برابری جنسیتی در محیط خانه، جامعه و محیط کاری می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. این سازمان به خاطر رفع خلاهایی که هنوز هم در برابر تساوی جنسیتی در این کشور وجود دارد تلاش می‌کند از دولت افغانستان نیز می‌خواهد تا برای به واقعیت تبدیل کردن برابری جنسیتی در کشور اقدامات بیشتری رویدست گیرد. (برگرفته از گزارش چهارشنبه ۱۹ حوت ۱۳۹۴ - احسان‌الله بکتاش - منتشره روزنامه ۸ صبح)

رئیس جمهور داکتر اشرف غنی شب گذشته (18 حوت 1394) در پایان نشست سه روزه درباره جایگاه زن در اسلام و بررسی اضرار خشونت جنسی از نظر اسلام با نمایندگان علمای دینی از ولایات مختلف کشور و فعالین حقوق زنان در ارگ ریاست جمهوری صحبت کرد. اشتراک کنندگان این نشست قطعنامه بی را تصویب و آنرا در این محفل قرائت کردند. سید ظفر هاشمی معاون سخنگوی رییس جمهور در گفتگو با روزنامه هشت صبح گفت: رییس جمهور تاکید کرد که یک جلسه اختصاصی کابینه برای بررسی خواسته های زنان که در این همایش سه روزه طی یک قطع نامه مشخص شد را ، دایر میکند. او همچنان گفت : دولت افغانستان مفاد این قطع نامه را به یک برنامه ملی تبدیل میکند و همچنان مجلسی را با حضور اعضای هر سه قوه دولت برای این منظور برگزار میکند. گفتنی است که این نشست پس از پایان کنفرانس سه روزه زیر عنوان جایگاه زن در اسلام و اضرار خشونت جنسی از نظر اسلام ، در ارگ ریاست جمهوری با حضور رییس جمهور و بانوی اول برگزار شد. دیده شود که از این نشست چه نتیجه بار خواهد آمد؟ (برگرفته از روزنامه وزین 8صبح)

برای مطالعه یک چشم انداز مختصر در زمینه مشکلات جاری زنان در کشور به گزارش ذیل منتشره بی بی سی نظر اندازید و روی این لینک کلیک نمائید:

http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2016/03/160303_fm_afghan_women_in_1394_8march

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ